

نکاتی چند درباره مراحل اساسی تاریخ ایران در سده‌های کهن و وسطی

این گزارش بمنزله کوششی است برای تقسیم تاریخ ایران و دولت آن به ادوار معین در عهد کهن و قرون وسطی.

بعقیده ما، عامل عمده‌ای، که ادوار اساسی تاریخ تمام نوع بشر و ملتها و کشور های جداگانه را تعیین مینماید، عبارتست از تبدیل پیگیر نظام اجتماعی- اقتصادی به تبعیت از بسط و ترقی نیروهای تولیدی. مطابق این اصل، ما اعصار اساسی آنیه را جدا میکنیم .

ادواری در تاریخ ایران در عهد کهن و قرون وسطی؛

(۱) قدیمی‌ترین دوره، که سازمان اجتماعی ابتدائی از خصوصیات آن بوده است (از آغاز تمدن بشری در سرزمین ایران تا سده‌های ۸-۷ قبل از میلاد)

(۲) دولت طیفاتی، که مناسبات برده داری در آن نقش مهم را داشته است (از سده ۶ قبل از میلاد تا سده ۳ بعد از میلاد)

(۳) تجزیه مناسبات برده داری و بوجود آمدن و ترکیب یافتن مناسبات بدوی فئودالی (سده‌های ۴-۷ بعد از میلاد)

(۴) عصر حکمفرمائی سازمان فئودالی (سده‌های ۷-۱۸) در حدود این عصر میتوان ادوار زیر را جداگانه ذکر نمود :

(الف) دوره فئودالیسم بسط و ترقی یافته (سده‌های ۱۰-۱۳)

(ب) دوران فئودالی خرد و مجزا از یکدیگر (سده‌های ۱۴-۱۵)

(پ) دوره دولت مرکزی فئودالی (سده ۱۶- نیمه اول سده ۱۷)

(ت) دوره انحطاط جامعه فئودالی (نیمه دوم سده ۱۷- سده ۱۸)

به وصف مختصر خصوصیات اساسی ادوار عمده بسط و ترقی جامعه و دولت ایران در اعصار مورد نظر بپردازیم .

ایران - کشور قدیمی‌ترین تمدن و فرهنگ بشر است، که تمدن مذکور در طول هزاران سال قبل از میلاد و عصر ما در سرزمین این کشور توسعه و ترقی مییافته است. از قدیمی‌ترین آثار انسان در سرزمین ایران اقامتگاه دوران اواخر پالئولیت سفلی در ناحیه بیستون است. در ناحیه غار کمر بند نزدیک به شهر در ساحل جنوبی دریای خزر همچنین اقامتگاههای شکارچیان

مزولیتیک و نئولیتیک کشف شده که باتیر و کمان مسلح بوده اند و مربوط است به هزاره های ۸-۱۱ قبل از زمان ما. حتی در هزاره های ۵-۴ قبل از زمان مادیران بخصوص در قسمت های جنوبی و غربی آن زراعت با استفاده از آب رودها و انهار کوهستانی شروع به توسعه و ترقی کرده است. در اواخر هزاره ۲ و اوایل هزاره اول قبل از میلاد پیشه‌وری از کشاورزی جدا شده است.

حفریات ز. دو - مرگان، گک، گیرشمان و دیگران در خوزستان امکان میدهد چنین استنتاج بشود، که در آخر هزاره ۴ - آغاز هزاره سوم قبل از میلاد در جلگه رود کارون تمدن طبقاتی و قدیمی ترین تشکیلات دولتی در ایران بنام ایلام بوجود آمده، که مرکز آن شهرشوش بوده است. در ایلام، قبل از سایر قسمت های ایران مناسبات برده داری شروع به ترکیب یسافتن نمود. مناسبات مذکور با مناسبات خانوادگی و اجتماعی ابتدائی، که در قسمت اعظم سرزمین ایران حکمفرما بود، توأم میگردد.

در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول قبل از میلاد قبایل هند و اروپائی گروه ایرانی به ایران نفوذ مییابند که بعقیده برخی دانشمندان (ای. پ. ای. م. دیساکتوف و دیگران) از آسیای مرکزی از طریق آسیای میانه آمده اند، ولی بعقیده دانشمندان دیگر (ر. گیرشمان، ا. آ. گرانوفسکی و دیگران) - از طریق ماوراء قفقاز راه یافته اند.

در سده ۷ قبل از میلاد در شمال غربی ایران دولت ماد تشکیل یافت، که پایتخت آن شهر اکباتان بود و در ابتدا بمنزله کنفدراسیون طوایف مادی ایران زبان بود. در اواخر سده ۷ قبل از میلاد مادها دولت بزرگ آشوری ها را نابود و ممالک اورارتو و ماننو، و همچنین قسمت اعظم فلات ایران و از آن جمله نواحی جنوب غربی ایران - ایالت برسیدارا، که طوایف ایرانی در آنجا سکنی داشتند، مطیع خود کردند.

خاصیت سازمان اجتماعی مملکت مادها عبارت از تجزیه مناسبات اجتماعی ابتدائی و توسعه برده داری در حالیکه این جریان در نواحی اساسی کشاورزی، در شمال غربی و جنوب غربی کشور - در ماد و پرسیدا با سرعت بیشتر پیشرفت میکرد. در نواحی شرقی ایران، که مال داری کوچ نشینی بطرز وسیع معمول بود، مناسبات اجتماعی ابتدائی و رسوم پادشاهی بسیار قوی و پایدار بود.

در اواسط سده ۶ قبل از میلاد در نتیجه شورش موفقیت آمیز قبایل ایرانی تحت ریاست هخامنشیان علیه مملکت ماد دولت بزرگ هخامنشیان تشکیل یافت، که دوهزار و پانصدمین سال تاسیس آن در ایران برگزار میشود.

کورش پایه گذار دولت هخامنشیان و کمبوجیه فرزند و جانشین وی لیدی و شهرهای یونانی آسیای صغیر و تمام آسیای صغیر - بابل - سوریه و فلسطین مصر و قسمتی از آسیای میانه را تصرف کردند، داریوش - جانشین کمبوجیه هم جلگه رود همدان را نیز مطیع خود نمود.

دولت هخامنشیان در آن زمان بزرگترین دولت جهان بود. ایران - آتروپاتان - ارمنستان - قسمت جنوبی آسیای میانه - جلگه رود همدان - تمام آسیای صغیر - بابل - سوریه - فلسطین - عربستان - مصر - سیرنائیک - جزایر دریای اژه - تراکیه - قسمت شمال شرقی شبه جزیره بالکان و مقدونیه جزو قایع آن دولت بود.

در زمان خود دولت هخامنشیان دولت پیشروی بود. در سده های ۲-۹ قبل از میلاد مناسبات برده داری در ماد و پرسیدا و سایر نواحی اساسی کشاورزی ایران گسترش یافت. شاهان هخامنشی و رجال بزرگ درباری آنان دارای واحه های بزرگ اقتصادی بر مبنای برده داری بودند، که در آنها بردگان (گاردایا کورتاش) کار میکردند.

هردیف با این مناسبات در نواحی مرکزی و شرقی، مخصوصا در نواحی مال داری کوچ نشینی، بقایای مناسبات اجتماعی ابتدائی کاملاً محفوظ بود. هخامنشیان قصد داشتند تمرکز

قدرت را در مملکت خود تامین نمایند و بدین منظور اقدام بساختن راههای زیاد میکردند . مملکت به بیست ایالت بزرگ قسمت میشد، که نایب السلطنه‌ها ساتراپ‌ها ، که فرمانفرمایان مطلق و نامحدود سکنه آن ایالات بودند ، آنها را اداره میکردند . لیکن قوای نظامی تابع سرداران ای بودند که استقلال داشتند و تحت امر نایب السلطنه‌ها نبودند . بقایای یادگارهای باعظمت معماری درباری و کاخ سازی در تخت جمشید و بازارگاد و همچنین مصنوعات پیشه‌های هنری و بدیع، که تا کنون حفظ شده ، گواه سطح عالی تمدن و فرهنگ آن زمان است ، که از خصوصیات مملکت هخامنشیان بوده است .

در نتیجه کشورگشائی اسکندر مقدونی در سال ۳۳۰ قبل از میلاد عمر دولت هخامنشیان پایان یافت و بعد از آن از سال ۳۱۲ قبل از میلاد ایران جزو مملکت سلوکیدها شد . لیکن دیگر در سال ۲۴۷ قبل از میلاد در نتیجه نهضت ضد یونانی در شمال شرقی کشور دولت پارت‌ها تحت ریاست دو دمان اشکانیان بوجود آمد، که پس از آن تا اواسط سده دوم قبل از میلاد حکومت خود را بر تمام سرزمین ایران کنونی و جلگه رودهای دجله و فرات گسترش داد . دولت پارت‌ها تا اوایل سده سوم بعد از میلاد پایدار بود .

خاصیت سازمان اجتماعی - اقتصادی مملکت پارت‌ها عبارت بود از وجود مناسبات برده داری ، وجود جوامع دینه نشین ، و همچنین سازمان خانوادگی - پدر شاهی در میان کوچ نشینان . در مملکت پارت‌ها تجارت ، پیشه‌ها و شهر زیاد توسعه و ترقی یافتند؛ درنساء ، انطاکیه ، مرغیانا ، تیسفون (پایتخت اشکانیان) ، شوش ، اکباتان و غیره ، هنرها ، معماری و پیکر سازی به سطح عالی ترقی رسید ، نقش زردشتی‌گری بعنوان مذهب رسمی مملکت اهمیت و قدرت مییابد . زبان پارتی ایرانی وسطی - پهلوی زبان رسمی دولتی شده است .

جنگهای فرسوده کننده چندین قرنی با امپراتوری روم ، که از اواسط سده اول قبل از میلاد اشکانیان برای استیلا یافتن بر راههای تجارتی بین مشرق و مغرب با آن مبادرت کرده بودند ، منجر به تضعیف دولت پارت‌ها شد ، همزمان با آن جریان تجزیه مناسبات برده داری واقع میشد و این امر بشکل انتقال تدریجی بردگان به زمینهای مزروعی و به مالکیت دهقانان آزاد عضو جامعه دینه عملی میگردد .

در سال ۲۲۴ بعد از میلاد اردشیر از خاندان ملوک پرسیدا (فارسی) ، که اشراف ایران و روحانیان متنفذ زردشتی از او پشتیبانی میکردند . علیه پادشاه پارت قیام نمود . او تقریباً تمام سرزمینهای جزو مملکت پارت را مطیع خود نمود و دولت ساسانیان را تأسیس کرد ، که تا اواسط سده ۷ باقی بود ، جریان تجزیه و زوال مناسبات برده داری در این دوره با سرعت و شدت بیشتر پیشرفت میکند و مناسبات بدوی فئودالی ترکیب می‌یابد - اشراف بزرگ نظامی - اداری و مقامات بالای جوامع مبدل به اشراف فئودال میگردد و افراد ساده جوامع به تابعیت آنان درمی‌آیند . جریان انتقال بردگان هم به زمینهای زراعتی شدت یافته است . روحانیان زردشتی دارای نفوذ فوق العاده میشوند . پیشه‌های مختلف و تجارت در مملکت ساسانیان بسطخ عالی ترقی رسیده، تمدن و فرهنگ فنی و علوم و ادبیات و هنرها هم توسعه و ترقی مییافت . در اواخر سده ۵ - اوایل سده ۶ نهضت ملی نیرومند مزدکیان واقع شد . پس از آنکه خسرو اول انوشیروان اقدام با اصلاحات نظامی و مالیاتی دیگر نمود ، که منظور از آنها تحکیم قدرت مرکزی شاهی بود ، مملکت ساسانیان بعد اعلای رونق و شکفتگی رسید . ساسانیان سوریه ، فلسطین ، عربستان جنوبی (یمن) ، و همچنین مدتی مصر و ماوراء قفقاز را مطیع خود کردند . در جنگهایی ، که با بیزانس (روم شرقی) ادامه داشت قوای ساسانیان تا تنگه بوسفور رسیدند . لیکن جنگهای ویران کننده با بیزانس در سده ۶ - نیمه اول سده ۷ و مالیاتهای فوق العاده

برای احتیاجات جنگی و شدت یافتن تمایلات تجزیه طلبانه فتودالی و مبارزه برای قدرت بین گروههای اشراف طبقه حاکمه دولت ساسانیان راز لحاظ اقتصادی و سیاسی ضعیف کرد و شرایط سقوط آنرا فراهم ساخت .

دراواسط سده ۷ دولت ساسانیان در زیر ضربات کشورگشایی اعراب سقوط کرد ایران استقلال خود را از دست داد و جزو خلافت امویان و بعد هم عباسیان شد . سلطه بیگانگان و افزایش بهره کشی فتودالها در سده های ۷-۱۰ میلادی کرارا موجب شورهای ملت علیه خلافت میشد. تقریباً تمام آن شورها در ایران و کشورهای مجاور تحت لوای مذهبی خوارج و شیعه، یا در زیر پرچم خرم دینان جریان می یافتند (شورش ابومسلم «علم های سرخ» در گرگان، خرم دینان تحت ریاست بابک و هکذا). نهضت های ملی و تشدید جریان فتودالی شدن و افزایش نفوذ فتودالهای ایران قدرت خلافت را در ایران زایل نمود و در سده های ۹-۱۰ منجر به تشکیل یک سلسله امارت های موروثی محلی گردید ، که فقط اسما تابع خلافت بودند؛ طاهریان (۸۲۱-۸۷۳) در خراسان، صفاریان در سیستان (۸۶۱-۹۰۰)، پس از آنهم در خراسان (۸۷۳-۹۰۰) ، از سال ۹۰۰ خراسان جزو مملکت سامانیان (۸۲۱-۹۹۹) شد، آل زیار (۹۲۸-۱۰۴۲) در گرگان، آل بویه (۹۳۵-۱۰۵۵) در ایران غربی و بین النهرین. با تشکیل دولت آل بویه سلطه خلافت در ایران پایان یافت.

در عصر ما جامعه فتودالی توسعه و ترقی یافته و خرد و مجزاشدن فتودالی (سده های ۱۰-۱۵) ایران کراراً مورد تهاجم و تصرف بیگانگان واقع و جزو ممالک متصرفی فاتحین شده است. ترکان سلجوقی (سده های ۱۱-۱۲)، مغولان (سده ۱۳)، امیر تیمور (سده ۱۴)، ترکمانان قره قویونلو و آق قویونلو (سده ۱۵). در برخی ادوار این عصر فتودالی دولتهای فتودالی محلی تشکیل میگردیده است .

مثلاً. در سده ۱۴ پس از تجزیه مملکت هلاکوتیان ، که مغولان تاسیس نموده بودند ، چند دولت در سرزمین ایران تشکیل یافت ، که بزرگترین آنها دولتهای چوپانیان ، جلایریان و آل مظفر بوده است . با وجود این شرایط و اوضاع نامساعد و تصرفات خارجیان و منازعات داخلی فتودالی و تجزیه ، ملت های ایران و کشورهای مجاور آن در آن عصر فتودالی بازحمت و نبوغ خلافت خود در رشته کشاورزی و آبیاری و تولیدات پیشه وری و فرهنگ به موفقیت های بزرگ نایل گردیدند . مخصوصاً در سده ۱۰ و نیمه اول سده ۱۱ پس از برانداختن سلطه خلافت ، و همچنین در سده ۱۲ تا زمان تهاجم و تصرف مغولان از این حیث به پیشرفت های عظیم نایل شده بودند و در آن زمان ترقی اقتصادی بی مانند در عصر فتودالی ، توسعه و ترقی کشاورزی، ساختن بناهای مخصوص آبیاری (مثلاً سد بزرگ بندامیر روی رود کرد در فارس) ترقی تولیدات پیشه وری ، توسعه و ترقی شهرها (نیشابور ، اصفهان ، شیراز و غیره) ، رونق و شکفتگی بی سابقه ادبیات منظوم (شاهنامه فردوسی و غیره) و علوم (ابن سینا ، بیرونی و دیگران) در کشور مشاهده می شد. هجوم مغولان (سده ۱۳) و همچنین غلبه امیر تیمور (سده ۱۴) ایران را دچار خرابی های عظیم نموده و عواقب نامطلوبی برای اقتصاد آن داشت . لیکن در همان دوران عصر فتودالی هم (سده های ۱۲-۱۵) نمایندگان ملل ایران و کشورهای مجاور سهم عظیمی وارد فرهنگ و علوم و ادبیات منظوم نمودند (عمر خیام ریاضی دان و شاعر مشهور ، نصیرالدین طوسی ریاضی دان و منجم ، ابوالفضل بیهقی مورخ ، رشیدالدین ، جوینی ، حمدالله قزوینی ، و صاف ، حافظ عبدالرزاق سمرقندی ، میرخوند ، سعدی ، جلال الدین رومی ، جامی و شاعران دیگر) . در همان دوره هم یادگاری معماری بسیار عالی از لحاظ هنری بوجود آمده است (مسجد - مقبره در سلطانیه ، مسجد کبود در تبریز ، مسجد گوهرشاد در مشهد و امثال آن) ، هنر مینیاتور (مکتب هرات و بهزاد) قالی بافی ، کاشی سازی هنری بحد اعلا ی مهارت رسیده است .

در اوایل سده ۱۶ دولت متمرکز فئودالی صفویه تحت لوای تشیع بوجود آمد، که در اوایل سده ۱۶ - اوایل سده ۱۷، در زمان شاه عباس اول به منتهی درجه قدرت و توانائی رسید. در اوایل سده ۱۷، گذشته از سرزمین کنونی ایران، در شمال غربی و مغرب آذربایجان و ارمنستان و گرجستان شرقی و همچنین عراق جزو مملکت صفویه بود. در مشرق هم صفویه قسمت جنوبی آسیای میانه را و در جنوب رود جیحون و ایالت‌های هرات و قندهار را تابع و خراج گزار خود نمودند. در جنوب صفویه پرتغالی‌ها را از ساحل خلیج فارس و جزیره هرمز بیرون راندند و حکومت خود را بر جزیره مذکور و برخی جزایر دیگر در خلیج فارس مستقر نمودند، اصلاحات نظامی و سایر اصلاحاتی که شاه عباس اول عملی نمود منجر به تثبیت و تقویت حکومت مرکزی شد. در دوره رونق و شکفتگی در مملکت صفویان (اوایل و اواسط سده ۱۷) ترقی مشهود کشاورزی، ساختن راهها و مجاری، توسعه و ترقی پیشه‌ها، تجارت، مخصوصاً تجارت خارجی و شهرها و تاحدی توسعه بازار داخلی مخصوصاً در نواحی مرکزی و غربی و شمالی کشور مشاهده میشود. معماری (بخصوص در اصفهان) هنر مینیاتور سازی و خوشنویسی، همچنین تهیه قالی‌ها و پارچه‌های زیبای هنری بحد اعلا ترقی رسیده بود.

سیاست تمرکز امور کشور و متحد کردن تمام ایالات ایران تحت حکومت صوفیه موجب پدید آمدن بعضی مقدمات برای تشکیل وحدت اقتصادی و فرهنگی کشور گردید. ولی باینصورت تمایلات فئودالی در آن زمان بسیار شدید و قوی بود و دولت صفویه به منزله اتحادیه نظامی سیاسی بعضی ایالات بود، که از لحاظ اقتصادی هنوز هم خیلی کم با هم بستگی و پیوند داشتند، در نواحی اطراف و اکناف کشور هم ملل غیر ایرانی ساکن بودند.

از نیمه دوم سده ۱۷ ایران وارد دوره انحطاط اقتصادی و سیاسی فرهنگی جامعه فئودالی شده است. این امر در تشدید بهره‌کشی از دهقانان، خراب شدن دهات، تقلیل تولیدات جنسی و تجارت، در حدت اختلافات و تضادهای اجتماعی. شورشهای دهقانان و شهر نشینان، و همچنین قیام‌های ملل تابعه بر ضد صفویان ظاهر شده است. اختلافات و مبارزه برای کسب قدرت بین گروههای مختلف فئودال و روحانیون متنفذ شیعه هم حدت و شدت یافت. شورش طوایف غلزان و تهاجم آنان به ایران در سال ۱۷۲۲ بدولت صفویان و حکومت آنان پایان داد. سلطه قلیل‌المدت آنان موجب جنبش وسیع ملی گردید. پس از بیرون راندن فاتحین مرزبور و قشون سلطان عثمانی، که بایران هجوم آورده بودند در سال ۱۷۲۶ نادر افشار بمعاون شاه ایران تعیین گردید. مملکت عظیم فئودالی که نادر در نتیجه جنگها و اردو کشی‌های متعدد بقصد تصرف و کشور گشائی بوجود آورده بود، و از مغرب بمشرق، از بین النهرین تا رود هند، و از شمال بجنوب، از داغستان و بخارا و خوارزم تا خلیج فارس و منجمله جزایر بحرین گسترش یافته بود. زیاد دوام نیافت. پس از قتل نادر شاه بوسیله خوانین توطئه‌گر در سال ۱۷۴۷، که با افزایش ناراضائی عمومی از جنگهای دائمی، که کشور را بفقیر سوق میداد، و تعقیب و تنبیه‌های بیرحمانه نسبت به قشرهای وسیع اهالی ارتسباط و بستگی داشت، مملکت وی تجزیه شد. پس از آن تا آخر سده ۱۸ منازعات داخلی فئودالی آغاز گردید، باستثنای دوران حکومت کریمخان زند (سالهای ۱۷۶۰ - ۱۷۷۹) که ایران از منازعات و دعوای بنیان کن فئودالها تاحدی آسایش یافت.

در اوایل سده ۱۸ پس از مبارزه طولانی بین چانشینان کریمخان زند و خوانین قاجار در ایران حکومت خاندان جدید شاهان قاجار برقرار و تثبیت گردید و ایران وارد مرحله تازه تاریخ خودش. بنظر ما، ادوار اساسی تاریخ مملکت ایران در عهد کهن و در قرون وسطی بدین قرار است. در خاتمه من میخواهم از طرف مورخان شوروی آرزوی کامیابی و موفقیت‌های بزرگ را برای همکاران ایرانی در نگارش تاریخ اساسی ایران که در نظر دارند، ابلاغ نمایم. اگر ضرورت اقتضا کند، ایران شناسان شوروی آماده‌اند بر اساس همکاری دوستانه همه نوع یاری و کمک در این امر مهم علمی به مورخان ایرانی بنمایند.